

به نام خدا

شماره چاپ: ۱۸۷۱

دوره هفتم - سال چهارم

شماره ثبت: ۷۳۴

تاریخ چاپ:

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح الحاق یک تبصره به قانون ممنوعیت

تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱»

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۱۰	مطابقت طرح با قانون اساسی
۱۲	نتیجه‌گیری
۱۳	بررسی طرح و پیشنهاد برای کارآمدسازی آن

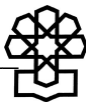
کد موضوعی: ۱۹۰

شماره مسلسل: ۸۵۵۶

شهریور ماه ۱۳۸۶

دفاتر: مطالعات حقوقی

مطالعات اجتماعی



اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح الحاق یک تبصره به قانون ممنوعیت تصدی

بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱»

چکیده

در نظام حقوقی اغلب کشور جهت جلوگیری از بروز هرگونه فساد اداری، تمهیداتی برای ممنوعیت جمع مشاغل پیش‌بینی شده است. در همین راستا قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز با هدف ایجاد نظام اداری سالم، در اصل ۱۴۱ قانون اساسی ممنوعیت جمع مشاغل را بیان کرده است. در اجرای این اصل، قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ به تصویب مجلس رسیده است.

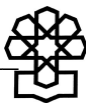
درخصوص تسری اصل ۱۴۱ قانون اساسی و قانون ممنوعیت بیش از یک شغل به اعضای شورای نگهبان باید گفت که چون این شورا طبق قانون مقررات مالی شورای نگهبان، مصوب ۱۳۶۲/۷/۱۰ دارای بودجه مستقل بوده و اعضای آن نیز دارای حقوق و مزایای ثابت هستند، مؤسسه عمومی تلقی شده و مشمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی است. وظایف و صلاحیت‌های گسترده شورای نگهبان در رابطه با تأیید، رد و تفسیر قوانین، نظارت بر همه‌پرسی و انتخابات مختلف و حضور در مجلس شورای اسلامی در مواقع فوریتی نیز مؤید همین امر است.



یکی از شاخصه‌های اصلی سلامت اداری، منع تصدی بیش از یک شغل توسط کارکنان بخش عمومی است. از آنجا که تجربه عملی و تاریخی نشان داده است که تصدی بیش از یک شغل با احتمال قوی ابتلا به فساد اداری از جمله سوء استفاده از قدرت همراه بوده است؛ لذا در قوانین اساسی اغلب کشورها تمهیداتی جهت ممنوع ساختن این امر اندیشیده شده است که هدف از این ممنوعیت را عموماً چنین عنوان کرده‌اند: جلوگیری از ایجاد وقفه در انجام امور عمومی، حفظ بی‌طرفی جلوگیری از بروز اعمال فساد اداری مانند اعمال نفوذ، انحصارطلبی، تضییع بودجه و امکانات عمومی، تبعیض و رشد بیکاری و عدم شایسته‌سالاری. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با درک این واقعیت و با هدف «ایجاد نظام اداری صحیح» (بند «۱۰» اصل ۳ قانون اساسی) اصل ممنوعیت جمع مشاغل را در اصل ۱۴۱ پیش‌بینی کرده است.

سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنا است. در اجرای اصل مذکور قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل در یک ماده و ۹ تبصره در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته است. در این قانون علاوه بر احصای مشاغل و مؤسساتی که مشمول ممنوعیت هستند، مجازاتی نیز برای آمر و مأمور متخلف در نظر گرفته شده است.

اما تسری اصل ۱۴۱ قانون اساسی و قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل به اعضای شورای نگهبان از دو منظر قابل بررسی است: نخست از دیدگاه اداری و دوم از نگاه استقلال قوا و بی‌طرفی اعضای شورای نگهبان. دو دیدگاه مذکور ذیلاً مورد بحث قرار می‌گیرد.



۱. از منظر استقلال قوا

دیدگاه نخست این است آیا عضویت در شورای نگهبان همان ویژگی‌ها و مختصات شغل که داشتن وظیفه مستمر، پست ثابت سازمانی یا شغل و یا پستی که به‌طور تمام‌وقت انجام می‌شود را دارد یا خیر؟

گروهی بر این باورند که براساس تعریف قانون استخدام کشوری و همچنین تعریفی که تبصره «۲» قانون ممنوعیت «تصدی بیش از یک شغل، مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱» شغل عبارت است از وظایف مستمر مربوط به پست ثابت سازمانی یا شغل و پستی که به‌طور تمام وقت انجام شود. بنابراین «استمرار» در «پست ثابت سازمانی» و «تمام‌وقت بودن» از ارکان اصلی شغل محسوب می‌شود و تا این ارکان به‌وجود نیاید نمی‌توان عنوان شغل به برخی سمت‌های رسمی داد و به این ترتیب بسیاری از سمت‌های رسمی وجود دارند که فاقد برخی از عناصر یادشده هستند و ظاهراً از شمول ممنوعیت مذکور خارج می‌شوند. به همین جهت است که تبصره «۳» قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل درباره پاره‌ای از سمت‌های غیر تمام‌وقت مقرر می‌دارد: «شرکت و عضویت در شوراهای عالی، مجامع عمومی، هیئت‌های مدیره و شوراهای مؤسسات و شرکت‌های دولتی که به‌عنوان نمایندگان قانونی سهام دولت و به موجب قانون و یا در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های پست و یا شغل سازمانی صورت می‌گیرد شغل دیگر محسوب نمی‌گردد لکن پرداخت یا دریافت حقوق ثابت شرکت و یا عضویت در موارد فوق ممنوع است».

بر همین اساس و بر پایه این استدلال چون عضویت در شورای نگهبان وظایف مستمر نبوده و اعضا مجبور و مکلف نیستند که به‌صورت دائم و تمام‌وقت و تحت



عنوان پست ثابت سازمانی در شورا فعالیت کنند، لذا عضویت در این شورا نیز همانند شوراهای و مجامعی که در تبصره «۳» قانون مذکور شغل محسوب نمی‌شود.

این استدلال بر پایه ارکان و عناصر یادشده در بادی امر درست به نظر می‌رسد اما باید به این موضوع دقت کرد که در شوراهای و مجامع مذکور در تبصره «۳» قانون یاد شده به این امر اشاره شده است که «پرداخت یا دریافت حقوق بابت شرکت و یا عضویت در موارد فوق ممنوع است». بدین معنا که به افرادی که به عنوان عضو شوراهای و مجامع و و تحت عنوان نمایندگان قانونی سهام دولت به موجب قانون و یا در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های پست و یا شغل سازمانی شرکت می‌کنند، حقوق و مزایا پرداخت نمی‌شود. به عنوان مثال وزیر امور اقتصادی و دارایی به استناد قانون عضو شورای اقتصاد است و بابت این عضویت حقوق و دستمزد دریافت نمی‌کند و همین‌طور وزیر امور اقتصادی و دارایی عضو بسیاری از مجامع عمومی شرکت‌های دولتی است که بنا به استناد قانونی در این مجامع بدون دریافت حقوق عضویت دارد. به نظر می‌رسد به عناصر سه‌گانه «استمرار»، «پست ثابت سازمانی» و «تمام وقت بودن» باید «دریافت حقوق و مزایا» نیز اضافه شود و با این دیدگاه اعضای شورای نگهبان هرچند که فاقد پست ثابت سازمانی و یا عدم استمرار شغلی هستند لکن به موجب بند «د» تبصره «۲» ماده (۱) قانون نظام هماهنگ پرداخت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ جزء مقامات کشوری قلمداد و اعداد مبنای حقوقی آن‌ها ماهیانه ۲۰۰۰ (هم‌ردیف معاون اول رئیس‌جمهور و نواب رئیس مجلس شورای اسلامی و یک‌رديف بالاتر از وزرا و نمایندگان مجلس شورای اسلامی) تعیین شده است و براساس تبصره «۳» همان قانون، امتیاز مذکور پس از اتمام عضویت در وضعیت حقوقی آنان



در محل خدمت محاسبه و منظور می‌شود. ضمن این‌که در قانون مقررات مالی شورای نگهبان نیز پرداخت حقوق مورد تصویب و قبول واقع شده است.

بنابراین عضویت در شورای نگهبان را نمی‌توان همانند عضویت شوراهای قلمداد کرد و از طرفی اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی «داشتن هر نوع شغل دیگر را در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است» را ممنوع اعلام می‌دارد. در این رابطه ماده (۳) قانون محاسبات عمومی، مصوب ۱۳۶۶/۱/۱ مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد: «مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد و زیر نظر یکی از قوای سه‌گانه اداره می‌شود و عنوان وزارتخانه ندارد».

با توجه به این تعریف کلیه مؤسسات و سازمان‌های اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به قدرت عمومی تعلق دارد و به این جهت کلیه مؤسسات متعلق به قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، دیوان محاسبات.....) و قوه مجریه (وزارتخانه، مؤسسات دولتی شرکت‌های دولتی، سازمان‌های نظامی و انتظامی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، قوه قضائیه (رئیس قوه دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری و ...) و صدا و سیما و نهاد و بنیادها و ... که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند، مشمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی هستند.

از منظر دیگر نیز می‌توان عضویت مقامات قوه مجریه و سایر قوا را در شورای نگهبان مورد تحلیل قرار داد. بدین معنا که براساس اصل نود و هفتم قانون اساسی «اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند؛ اما وقتی طرح یا



لایحه فوری در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار کنند».

ماده (۸۶) آیین‌نامه داخلی مجلس مقرر می‌دارد «هنگامی که طرح یا لایحه‌ای با قید فوریت در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد قبلاً از طرف رئیس مجلس مراتب به اطلاع شورای نگهبان خواهد رسید. شورای نگهبان باید در این جلسات حضور داشته و نظر خود را حتی‌المقدور پس از رأی مجلس و در غیر این صورت حداکثر تا ۲۴ ساعت اظهار نماید» و همچنین ماده (۱۲) آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان (مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۷) نیز در مورد طرح‌ها و لوایح فوری اعلام می‌دارد: «اعضای شورای نگهبان پس از تصویب مجلس شورای اسلامی از مجلس خارج و بعد از مشورت ظرف ۲۴ ساعت نظر خود را اظهار می‌نمایند... در موارد فوری جلسه شورا تا رسیدن به نظریه قابل اعلام ادامه می‌یابد و اعضا نمی‌توانند جلسه را ترک کنند».

با توجه به تقسیم‌بندی که آیین‌نامه داخلی مجلس از لوایح فوری به عمل آورده و آن را به یک فوریتی، دو فوریتی و سه فوریتی تقسیم نموده و دو فوریتی بودن لوایح و طرح‌ها برای جلوگیری از ورود خسارت و سه فوریتی بودن را دلیل اضطرار دانسته است و شورای نگهبان نیز در تفسیر مورخ ۱۳۶۸/۸/۱۴ بیان داشته است «مقصود از طرح یا لایحه فوری مذکور در اصل نودوهمم قانون اساسی طرح یا لایحه‌ای است که تأخیر در رسیدگی به آن مستلزم خسارت یا فوت فرصت باشد و لوایح و طرح‌هایی که رسیدگی به آن در این حد از لزوم سرعت نیست، شامل نمی‌شود». حضور اعضای شورای نگهبان در مجلس به هنگام رسیدگی به طرح‌ها و لوایح دوفوریتی کاملاً محرز است.



با عنایت به مواد مورد اشاره و تفسیر شورای نگهبان آنچه غیرقابل تردید و شبهه است حضور الزامی اعضای شورای نگهبان در مجلس شورای اسلامی به هنگام رسیدگی به تعدادی از لوایحی است که قید دو فوریت و یا سه فوریت دارد. حال این سؤال مطرح می‌شود «رئیس‌جمهور یا وزرا یا معاونان وزرا یا کارمندان مؤسسات دولتی و عمومی که ماهیت شغل آن استمرار است و براساس اصل تداوم امور عمومی نباید وقفه‌ای در آن ایجاد شود، چگونه می‌توانند به‌عنوان عضو شورای نگهبان در جلسات مجلس حضور یابند و در این صورت عدم حضور آنان در محل خدمت خود تحت چه شرایط و ضوابطی صورت می‌گیرد. آیا این شخص از مرخصی استحقاقی خود استفاده می‌کند یا در وضعیت خدمتی مأمور است؟» با این استدلال نیز هیچ‌کدام از مقامات سه قوه و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های وابسته به آن‌ها که دارای شغل مستمر هستند، نمی‌توانند عضویت شوراها و مجامعی را داشته باشند که ناگزیرند وظایفی را غیر مرتبط با وظایف اصلی انجام و از ماهیت آن حقوق و مزایا دریافت دارند. ماهیت وظایف شورای نگهبان ایجاب می‌کند که عضو شورای نگهبان در مواقع و مواردی در مجلس حضور یابد و در این صورت است که چنانچه عضو شورای نگهبان کارمند یکی از وزارتخانه‌ها، مؤسسات عمومی دولتی و شرکت‌های دولتی و ... از عالی‌ترین مقام تا پایین‌ترین رده نمی‌تواند محل خدمت خود را ترک کند. ناگفته نباید گذاشت که حضور وزیر در جلسات مجلس در مقام پاسخگویی را نمی‌توان توقف در خدمت دانست.

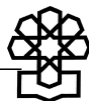


۲. از منظر اصل استقلال قوا

مسئله دوم این است که آیا عضویت مقامات قوه مجریه یا نمایندگان مجلس، در شورای نگهبان مانع از بی‌طرفی شورای نگهبان و همچنین مانع از انجام وظیفه این شورا نیست.

وظایف با اهمیتی که قانون اساسی برای شورای نگهبان در نظر گرفته و مجلس شورای اسلامی را بدون وجود شورای نگهبان فاقد اعتبار دانسته است ایجاب می‌کند که اعضای شورای نگهبان به هیچ‌کدام از وزارتخانه‌ها، مؤسسات عمومی، دولتی، نهادها و قوای سه‌گانه وابستگی و تعلق خاطر نداشته باشند تا بتوانند به وظایف شامخ خود که همانا نظارت بر تدوین قوانین، تفسیر قانون اساسی و نظارت بر انتخابات و همه‌پرسی است، بدون هیچ‌گونه شبهه‌ای عمل نمایند. اعضای شورای نگهبان در مقام نهاد عالی نظارت، در راستای ایفای وظایف مهم خود باید از آنچنان قدرت معنوی، اعتقادی و بی‌طرفی برخوردار باشند که نسبت به فعل و انفعالات سیاسی جز عدالت طریق دیگری را در پیش نگیرند و روش و منش خود را معطوف به پاسداری از قانون اساسی و احکام اسلامی نمایند که لازمه آن دوری از مشاغل رسمی و همچنین بی‌طرفی و عدم عضویت آنان در گروه‌های سیاسی و اقدامات و اعمال اجرایی است.

داشتن مشاغل رسمی دولتی و حکومتی به اشخاص چنان اقتداری می‌بخشد که در تصمیم‌گیری آن‌ها مؤثر است و همین امر بی‌طرفی را مورد خدشه قرار می‌دهد. به همین سبب است که در بسیاری از کشورهای دیگر نیز عضویت مقامات عالی‌رتبه و نمایندگان در این قبیل شوراها ممنوع است. به‌عنوان مثال عضویت این مقامات در



شورای قانون اساسی فرانسه در قانون اساسی سال ۱۹۵۸ ممنوع شده است.^۱

یکی از مهم‌ترین وظایفی که شورای نگهبان به عهده دارد، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی است. به همین جهت شورای نگهبان در مقام نظارت بر انتخابات، نقش مهم و تعیین‌کننده در تأیید یا رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی دارد و لذا وابستگی اعضای شورای نگهبان به کانون‌های سیاسی و قدرت باعث ایجاد محیط نامساعد برای رقیبان می‌شود و همین امر جایگاه رفیع شورای نگهبان را تقلیل می‌دهد.

وظیفه نظارت بر تدوین قوانین نیز در صورت عضویت اعضای از قوه مجریه یا مقننه یا قضائیه با چالش مهمی روبه‌رو می‌گردد که باز به اصل بی‌طرفی معطوف است. در نظام حقوقی ایران مراحل قانون‌گذاری به‌صورت ارائه لایحه از طرف هیئت وزیران یا قوه قضائیه و همچنین طرح از طرف نمایندگان مجلس صورت می‌گیرد. لوایح دولت پس از بحث و بررسی در هیئت وزیران با امضای رئیس‌جمهور و وزیر مربوط به مجلس ارائه می‌شود و لوایح قضائیه نیز در طرف قوه قضائیه تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. حال چگونه ممکن است عضوی از اعضای قوه مجریه با دو دیدگاه به این لوایح رأی دهد. بنابراین براساس اصل بی‌طرفی و همچنین براساس اصلی که هیچ‌کس نمی‌تواند قاضی اعمال خویش باشد و عضویت اعضای قوه مجریه و قوه قضائیه و قوه مقننه در جایگاه شورای نگهبان غیرقابل قبول است. ضمن این‌که عضویت این مقامات در شورای نگهبان تصمیمات شورا را در رد یا قبول

۱. دکتر سیدمحمد هاشمی - حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ج ۲، چاپ ۱۳۷۹، ص ۲۸۱.

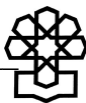


قوانین مصوب و یا صلاحیت داوطلبان و تأیید یا ابطال قطعی و نهایی انتخابات در ذهن خواص و عوام را مورد ایراد قرار می‌دهد.

مطابقت طرح با قانون اساسی

نکته‌ای که حتماً باید مدنظر قرار گیرد عبارت است از لزوم اتکا بر روح فلسفه و هدف قانون اساسی از طرح اصل ۱۴۱ در خصوص منع تصدی بیش از دو شغل. بی‌گمان هدف این اصل با توجه به تجربیات ناخوشایند دوران پیش از انقلاب مبنی بر تصدی مقامات در مشاغل مختلف، این بوده است که با ممنوع کردن جمع بین مشاغل، زمینه هرگونه احتمال بروز فساد اداری را خنثی کند و با امکان دادن به افراد مختلف زمینه بیش‌تری برای تحقق عدالت استخدامی و شایسته‌سالاری در بخش عمومی ایجاد کند. این امر فی‌نفسه هدف بسیار متعالی است که باید به‌عنوان یک اصل کلی و مبنایی در کلیت بخش عمومی و نه فقط در بخشی از بدنه گسترده آن، مورد عمل قرار گیرد. بنابراین در این رابطه موارد زیر قابل بیان است:

۱. اصل ۱۴۱ قانون اساسی با این دیدگاه تدوین یافته است که رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و کارمندان دولت نتوانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند. این اصل ضمن احصای برخی از مشاغل دو استثنا قائل شده است؛ استثنای اول عضویت مقامات مذکور و کارمندان دولت در شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات اداری بوده و استثنای دوم سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی است. با توجه به اینکه استثنائات در اصل ۱۴۱ تصریح شده است لذا اصل بر این است که شورای نگهبان مورد استثنا واقع نشده است ضمن این که



گفته شد شورای نگهبان دارای ردیف بودجه مستقل و دارایی و اموال بوده و اعضای آن از حقوق ثابت بهره‌مند هستند [ماده (۶) و (۸) قانون مقررات مالی شورای نگهبان مصوب ۱۳۶۲/۷/۱۰] با عنایت به تصریح این اصل که عنوان نموده است، «داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و... ممنوع است» بالطبع مشمول اصل ۱۴۱ نیز است.

۲. طبق اصل ۹۷ قانون اساسی، «اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند اما وقتی طرح یا لایحه فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند» و از طرفی با توجه به تفسیر شورای نگهبان مقصود از طرح یا لایحه فوری، طرح یا لایحه‌ای است که تأخیر در رسیدگی به آن مستلزم وقوع خسارت یا فوت فرصت باشد. حال این پرسش مطرح است که با عدم حضور آن دسته از اعضای شورای نگهبان که دارای مشاغل دولتی هستند در جلسات علنی مجلس، فوریت طرح یا لایحه به نحوی که شورای نگهبان آن را تفسیر کرده است، چگونه عملی خواهد شد؟

۳. برخی اعتقاد دارند که چون در اصل ۱۴۱ قانون اساسی به کارمندان دولت و مؤسسات مستقل دولت اشاره شده است و مراد از دولت، قوه مجریه می‌باشد نه سایر قوا؛ لذا چون شورای نگهبان از مؤسسات دولتی نیست بنابراین مشمول مقررات این اصل نمی‌شود. در حالی که شورای نگهبان در تفسیرهای ارائه شده از این اصل برخی از نهادهایی که زیرمجموعه قوه مجریه نیستند را نیز (دولت) تلقی و مشمول مفاد این اصل قرار داده است از جمله در نظریه تفسیری شماره ۵۴۰۰ مورخ

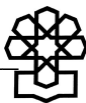


رئیس دیوان محاسبات را کارمند دولت محسوب کرده است یا در تفسیر شماره ۳۰۹۱ و ۳۰۰۰ مورخ ۱۳۶۰/۵/۱۲ اعضای شورای عالی قضایی (سابق) و در نظریه تفسیری شماره ۵۱۳ مورخ ۱۳۶۲/۲/۲۰ نهادها و ارگان‌ها و بنیادهای انقلابی که دولت بودجه آن‌ها را تأمین می‌کند مشمول این اصل دانسته است.

با توجه به این که دولت در مفهوم حقوقی به کل حاکمیت کشور که شامل تمام قوا و نیروهای موجود است اطلاق می‌شود و قوه مجریه نیز صرفاً یکی از این قوا تلقی می‌شود بنابراین شورای نگهبان نیز به‌عنوان یک مؤسسه عمومی که از بودجه دولتی استفاده می‌کند و در اعمال حاکمیت به‌عنوان بخشی از رکن قانون‌گذاری عمل می‌کند، مشمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی است. این برداشت با روح قانون اساسی - که در مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی به نحوی عینیت پیدا کرده است - مطابقت داشته و استثنا کردن اعضای این شورا از اصل ۱۴۱ قانون اساسی برخلاف تصریح اصل مذکور و سایر اصول بیان شده است.

نتیجه‌گیری

با عنایت به مراتب اولاً شورای نگهبان طبق ماده (۸) قانون مقررات مالی شورای نگهبان مصوب ۱۳۶۲/۷/۱۰ دارای بودجه مستقل و اموال متعلق به خود است لذا مؤسسه عمومی تلقی می‌شود و مشمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی است. ثانیاً طبق ماده (۶) قانون مذکور و همچنین قانون نظام هماهنگ پرداخت اعضای شورای نگهبان دارای حقوق و مزایا ثابت هستند. ثالثاً، با توجه به وظایف و صلاحیت‌های گسترده در



رابطه با تأیید یا رد قوانین، تفسیر قوانین، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، همه‌پرسی و حضور در مجلس شورای اسلامی به هنگام بحث و بررسی لوایح و طرح‌های دو فوریتی و سه فوریتی شایسته است اعضای شورای نگهبان برای رعایت اصل بی‌طرفی، انجام بهینه وظایف محوله و جلوگیری از تمرکز قدرت و فساد احتمالی ناشی از آن هیچ وظیفه‌ای جز عضویت در شورای نگهبان نداشته باشند تا به نحو احسن از قانون اساسی و احکام اسلامی پاسداری نمایند.^۱

با عنایت به موارد مذکور پیشنهاد می‌گردد طرح ذیل جایگزین طرح پیشنهادی شود.

بررسی طرح و پیشنهاد برای کارآمدسازی آن

ماده واحد

تبصره «۴» ماده واحد قانون منع تصدی بیش از یک شغل مصوب ۷۳ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تصدی به هر شغل دیگر در مؤسسات و شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات مذکور بوده و از بودجه عمومی به هر میزان استفاده می‌کنند و عضویت

۱. اصل ۹۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.



شماره مسلسل: ۸۵۵۶	شناسنامه گزارش
<p>عنوان گزارش: اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح الحاق یک تبصره به قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱»</p> <p>Report Title: The Expertise On Bill: “The Attachment Of a Note To Rule Of Prohibition Of Holding More Than One Governmental Position</p> <p>نام دفاتر: مطالعات حقوقی (دفتر اصلی)، مطالعات اجتماعی (دفتر فرعی)</p> <p>تهیه و تدوین: حسن ناعمه، خیراله شهبازی، مسعود فریادی</p> <p>همکار: ایروان مسعودی اصل (دفتر اجتماعی)</p> <p>ناظر علمی: همایون حبیبی</p> <p>متقاضی: کمیسیون اجتماعی</p> <p>ویراستار: _____</p> <p>واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها: _____</p> <p>منابع و مآخذ تهیه گزارش:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. دکتر سید محمد هاشمی، مسئله حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج دوم، چاپ ۱۳۷۹. ۲. دکتر سید جلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۷ جلد. ۳. مشروح مذاکرات، مجلس خبرگان قانون اساسی. ۴. مجموعه نظرات شورای نگهبان. ۵. قانون اساسی و سایر مقررات. <p>تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۶/۲۱</p>	

در هیأت مدیره مؤسسات و شرکت‌های دولتی و خصوصی اعم از موظف یا غیر موظف و همچنین مجامع و شوراهایی که بابت شرکت یا عضویت در آن حقوق و مزایا و پاداش پرداخت می‌شود و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و عضویت در شورای نگهبان، وکالت دادگستری و مشاوره شغل محسوب و اشتغال به آن برای کارکنان رسمی دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و مؤسسات و شرکت‌های متعلق به قوای سه‌گانه ممنوع است. در صورت اشتغال، کارکنان مذکور مأمور به خدمت محسوب می‌شوند. عضویت در هیأت مدیره شرکت‌های تعاونی مسکن و مصرف ادارات و مؤسسات دولتی از این حکم مستثنی است.